

<http://almahdyoon.ir>

باسمه تعالی

بررسی برخی ادله روایی احمد بصری، یمانی دروغین

در شناخت ادعاهای جریان مدعی یمانی منتسب به احمد الحسن

منبع : فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

شماره ۲۷

نویسنده :

محمد شهبازیان

باز نشر :

<http://almahdyoon.ir>

چکیده

این مقاله با هدف بررسی برخی از ادله روایی یکی از مدعیان نیابت، با عنوان احمد بن اسماعیل بصری می باشد. این فرد خود را فرزند با واسطه امام مهدی (علی السلام)، رسول وزمینه ساز ظهور معرفی نموده، و ادعا دارد پس از ایشان به حکومت و خلافت خواهد رسید.

او تلاش نموده است تا با بهره گیری از روایات معصومین (علیهم السلام) ادعای خود را اثبات نماید. همچنین مریدان این شخص ادعا دارند که تمام بیانات و ادله این فرد نشأت گرفته از علم الهی او بوده و امکان نقد هیچ یک از ادعاهای مطرح شده وجود ندارد. اما پس از بررسی ادله مطرح شده، متوجه می شویم که این فرد با تمسک به روایات غیر مستند، بهره گیری از منابع غیر علمی، تقطیع روایات و تحریف معنا و دلالت آنان، قصد در فریب مخاطبان خود داشته است.

نوبت این جریان در کشور ایران، و احساس نیاز به تحلیلی علمی و بر گرفته از منابع مورد اعتماد این گروه، موجب گردید تا پس از معرفی این فرد و روش تبلیغاتی او، به نقد برخی از ادله روایی او پردازیم. روش این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و آنچه که بدست آمده است، نسبت های دروغ این فرد به ائمه (علیهم السلام) و استفاده از عدم سواد حدیثی طرفدارانش می باشد. و تلاش گردیده تا با بررسی برخی از ادله مورد ادعا، و با توجه به اینکه وصی و جانشین امام مهدی (علیه السلام) باید برخوردار از علم و عصمت باشد، بطلان ادعای او را اثبات نماییم.

کلید واژه ها:

احمد، بصره، یمانی، امام مهدی (علیه السلام)، الحسن، دابة الارض، مهدی اول.

مهدویت، بزرگترین جریان معنوی - معرفتی است. و دقت در بررسی مباحث آن همانند دیگر موضوعات تخصصی، امری متعلق به اهل فن و عالمان این عرصه می باشد.

اندیشه مهدویت در عرصه های مختلف زندگی جوامع اسلامی به ویژه شیعیان، رونق بسیار داشته و پیروانی از جان گذشته گرد خود فراهم آورده است. بد اندیشان، امویان و عباسیان زمانه به درستی درک نمودند که کمترین پیامد باور به این موضوع، احیای تفکر اسلامی، رشد فرهنگ شیعی و ظلم ستیزی است؛ که این سبک از زندگی و بینش به هیچ عنوان سازگاری با بنیان ها و دنیای آنان ندارد. از این روی همیشه بر آن بوده اند تا اگر چه نمی توانند این فرهنگ را از بین ببرند، اما به صورت مستقیم و یا از طریق مزدوران خود، آن را تحریف نموده و از پویایی آن جلوگیری نمایند.

متأسفانه نادانی و جهل برخی از دوستداران و پیروان این الهیات ناب اسلامی، باعث گردیده تا آب در آسیاب دشمنان ریخته و کار آنان سهل گردد.

از این جا ارائه عالمانه فرهنگ انتظار و مهدویت حاضر ضرورتی عینی می یابد، تا این جریان را از آسیب های ناشی از حرکت های جاهلانه و سوء استفاده های شیادان حفظ نموده و به مانند همیشه این فرهنگ اصیل اسلامی الهام بخش تمامی آزادی خواهان جهان باشد و به جای سرخوردگی، امید افزایی رادر جامعه منتظران به همراه بیاورد.

به یقین اگر در جامعه ای علم رشد یافته و تبیین صحیح و منطقی از دین صورت پذیرد، و پس از بیان اصول و معیار های عالمانه، فرهنگ پرشگری در میان مردم رواج یابد، کمتر شاهد مکر و حيله مدعیان دروغین و سوء استفاده کنندگان از اندیشه مهدویت خواهیم بود.

از طرف دیگر عالمان دینی و متخصصان در امر مهدویت وظیفه دارند تا علاوه بر تلاش در گسترش فرهنگ اصیل مهدوی، به انحرافات پاسخ داده و در غبار فتنه ها، حق را بر مردم نمایان سازند و مردم نیز موظف به تبعیت در امور دینی و معارف الهی از متخصصان این امر که علمای شیعه می باشند، گردیده اند.

این نوشتار بر این است تا به یاری خدای متعال، گوشه ای از انحرافات یکی از مدعیان نیابت امام مهدی (علیه السلام) را نمایش دهد. به دلیل نوظهور بودن این جریان در ایران و عدم آگاهی دقیق از منابع و ادعاهای این گروه، شاهد برخی از نقد های اشتباه در این زمینه بوده ایم که وسیله ای برای تخریب منتقدان را در اختیار طرفداران احمد بصری قرار داده است. لذا در ابتدای مقاله تلاش گردیده است نگاهی مختصر اما جامع و علمی به این فرد و جریان حامیانش، در اختیار خواننده قرار بگیرد.

نسب و مختصری از تاریخچه‌ی زندگی او

احمد بن اسماعیل، در شهر بصره در جنوب عراق متولد و زندگی کرده و تحصیلاتش را تا لیسانس و اخذ مدرک مهندسی معماری ادامه داده است.

او مدعی است، در اواخر سال ۱۹۹۹ و در سن ۲۹ سالگی، به امر امام مهدی (علیه السلام)، به نجف هجرت کرده و گمان نمود روش تدریس در حوزه‌ی علمیه دارای خلل بزرگی است. چرا که در حوزه علمیه، به جای توجه و تمرکز بر تقلین یعنی قرآن کریم و سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام)؛ به تدریس و آموزش منطق و فلسفه و اصول فقه و علم کلام (عقائد) و فقه (احکام شرعی) و زبان عربی، می‌پرداختند.

او در مورد علنی نمودن دعوتش چنین ادعا می‌کند:

((دو روز آخر از ماه رمضان از سال ۱۴۲۴ هـ.ق امام مهدی (ع) به من امر فرمود که خطابم را متوجه اهل زمین کنم و هر فرقه را با توجه به ویژگی‌هایش بر حسب اوامر امام (ع) مورد خطاب قرار دهم و در روز سوم شوال (مطابق ۱۷ آذر ۱۳۸۱)، امام مهدی (ع) به من امر فرمود که انقلاب بر علیه ظالمان را علنی کنم و به بررسی راهکارها پردازم و کارهای لازم را به سرعت انجام دهم (...))

میریدانش او را با عنوان احمد الحسن نامگذاری می‌کنند و علت به کار بردن نام ((الحسن)) برای او، استناد به این روایت می‌باشد.

((و يُسَمِّيهِ بِاسْمِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَيُكْنِيهِ، وَيُنْسِبُهُ إِلَى أَبِيهِ الْحَسَنِ الْحَادِي عَشَرَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ))

در استدلال به این روایت چنین می‌گویند که در عباراتش اشاره شده، او منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌باشد و از طریق ایشان به امام حسین (علیه السلام) متصل می‌شود. (در ادامه مقاله به نقد این روایت خواهیم پرداخت).

آن‌ها شجره نامه‌ی خود ساخته ارائه داده و نسب او را چنین بیان میکنند:

((احمد فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند محمد بن حسن عسکری (مراد امام زمان می‌باشد) فرزند حسن العسکری فرزند علی فرزند محمد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی السجاد فرزند حسین فرزند علی ابن ابی طالب علیهم الصلاة والسلام.))

<http://almahdyoon.ir>

این نسب نامه ساختگی در حالی است که، بنابر نظر شیروان الوائلی - وزیر امنیت دولت عراق - و گروهی از طوایف بصره، او از طایفه ((همبوش)) که یکی از طوایف ((البوسویلیم)) است، می باشد. و این طایفه از سادات محسوب نمی گردند.

برخورد علما با ایشان و عکس العمل احمد بصری

پس از اینکه این فرد ادعای خود را در عراق علنی نمود، و با کمک گروهی از پیروانش جزوات و کتاب هایی را منتشر کرد، برای گرفتن بیعت از مراجع تقلید و علمای عراق اقدام نمود، علما و بزرگان حوزه، پس از بررسی ادعاهای این فرد، مخالفت خود را با این جریان اعلام کرده و کتاب های متعددی در بیان انحرافات و رد ادعای او منتشر کردند.

از این روی او به تخریب چهره آنان همت داشته و حتی عالم مجاهدی مانند آیت الله سیستانی را که زعامت شیعیان را به عهده دارند و با تدبیر و در نظر گرفتن مصالح امت اسلام و تشیع، به اداره اوضاع آشفته و پر از آشوب شیعیان عراق پرداخته اند، را عالم آمریکایی معرفی می نمایند!!!

این فرد همان روشی را در تخریب حوزه های علمیه شیعیان و علمای آن به کار گرفته است، که وهابیت سر لوحه فعالیت های ضد شیعی خود قرار داده است. و عجیب اینکه عدم اعتنای بزرگان به خود را دلیل بر حقانیت ادعاهایش می داند.

فعالیت پیروان

پیروان این فرد خود را با عنوان "انصار امام مهدی (علیه السلام)" یاد کرده و فعالیت خود را به صورت استفاده از فضای مجازی و اینترنت، ساخت برنامه های تبلیغاتی مانند مستند (ظهور کرده)، چاپ کتاب و جزوات توسط انتشارات وابسته به جریان احمد با نام (اصدارات الامام المهدی)، تبلیغ چهره به چهره در محافل عمومی اعم از مدارس، خیابان و دانشگاهها، شرکت در نمایشگاه کتاب فرانکفورت (۲۰۱۲) و بغداد (۲۰۱۲)، تاسیس رادیو، چاپ ماهنامه صراط مستقیم و هفته نامه منجی (به صورت الکترونیکی)، پیگیری می نمایند.

برخی از ادعاهای این فرد

۱. او خود را با چهار واسطه، فرزند حضرت مهدی (علیه السلام) معرفی می کند.
۲. خود را یمانی دانسته، که وظیفه زمینه سازی ظهور را دارد.
۳. معتقد است که پس از وفات امام زمان (علیه السلام)، به عنوان امام و خلیفه حکومت را به دست می گیرد.
۴. خود را دارای عصمت، علم و میراث اهل بیت (علیهم السلام) می داند.
۵. معتقد است که همان فردی است که به جای عیسی به صلیب کشیده شده و همراه با انبیای گذشته بوده است.
۶. اعتقاد دارد که دو فرد با عنوان "دابة الارض" وجود دارد، یکی از آنها بنابر روایات، علی (علیه السلام) می باشد که در زمان رجعت می آید؛ دیگری خود اوست که در آخر الزمان و قبل از حضرت علی (علیه السلام) می آید.
۷. خود را یکی از سیصد و سیزده یار حضرت مهدی (علیه السلام) می داند.
۸. خود را صاحب بیرق رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می داند و دلایل این است که بر روی پرچمش نوشته شده است "البيعة لله" !!
۹. علم اصول، فلسفه، منطق، رجال و سند شناسی را بدعت می داند.
۱۰. تقلید از مراجع را جایز نمی داند و خود را تنها پاسخ گو معرفی نموده است.
۱۱. در میان مراجع تنها به امام خمینی (ره) و شهید سید محمد صدر -صاحب موسوعه امام مهدی- (علیه السلام)، احترام می گذارد. که البته این مطلب با توجه به دیگر عقاید او، برای مریدانش نیز حل نشده است.
۱۲. از جمله ادله اثبات خود، خواب و استخاره را بیان می کند. و خواب را کوتاه ترین راه اثبات خود می داند.
۱۳. امر رجعت بعد از تمام شدن حکومت ۱۲ امام (مهدیین)، که جانشین حضرت مهدی (علیه السلام) بوده اند و اولین این مهدیین، احمد بصری می باشد، رخ خواهد داد.

۱۴. تمامی کتاب های نوشته شده در انتشارات (انصار الامام المهدي) و سایت رسمی اینترنتی انصار، مورد تایید احمد بصری بوده و آنها را ملاک دعوت خود می داند. (در نتیجه نمی توانند اشکال های وارد شده به کتب را تنها به انتشارات انصار نسبت دهند.)

نقد

تا کنون کتاب ها و سخنرانی های متعددی در نقد این جریان صورت گرفته است که بهترین نمونه آن، کتاب (دعوه احمد الحسن بین الحق و الباطل) می باشد. لازم به توضیح است که، در تحلیل ادعاهای این فرد می توان به بررسی ترتیبی پرداخت بدین صورت که آنچه را که از ادله بیان نموده اند به نقد بنشینیم. و یا اینکه به نقد قسمتی از ادله آنها پردازیم. در این نوشتار به چند جهت گزینه دوم را برگزیده ایم.

الف) سخن گزافه گفتن مشکل نبوده و این روش در میان تمامی مدعیان مرسوم بوده است که به اصطلاح از طریق ارائه رطب و یابس و یا آسمان ریسمان بافتن، ادعاهای خود را اثبات نمایند. و لازم است که نقاد تدبیر امر را به دست گرفته و در دام آنها گرفتار نشود و گرنه تمام عمر خود را باید برای تحلیل ادله مدعیان متعدد صرف نماییم.

ب) برخی از مباحث ارائه شده توسط احمد بصری، توسط علمای گذشته تحلیل شده و پاسخ های متعددی در اختیار محققان قرار دارد، که ما را از بحث مجدد بی نیاز می کند. مباحثی مانند: شرعی بودن یا نبودن ارائه خمس به فقها در دوران غیبت، درستی یا نادرستی بررسی اسناد روایات و بهره گیری از علم رجال، دینی یا غیر دینی بودن مباحث منطقی و فلسفه، مباحث رجعت و غیره.

نکته ای که باید در موضوعات بالا توجه شود این است که وارد کردن اشکال همیشه راحت بوده اما در پاسخ به این سوالات باید به ذکر مقدمات و مبانی ای پرداخت که از حوصله این مقاله و خوانندگان به دور است، لذا خواننده گرامی را به کتبی که در این زمینه پرداخته اند ارجاع می دهیم.

ج) این فرد ادعا دارد که معصوم بوده و دارای علم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد. و تمام ادله او صحیح بوده و امکان رد کردن آنها وجود ندارد. ما نیز از این زاویه که اگر تعدادی از دلایل او را رد کنیم و دروغ گو بودن او را اثبات نماییم، توانسته ایم ریشه ادعاهای او را از بین ببریم، به نقد برخی از ادله اش بسنده می کنیم.

در بررسی این فرد به سه محور استفاده از روایات غیر معتبر و جعلی، تقطیع روایات و تحریف معنا و مراد روایت، اشاره خواهیم کرد و برای هر قسمت نمونه هایی را از میان مصداق های متعددی ذکر خواهیم کرد.

نقد و بررسی

۱. استفاده از روایات غیر معتبر و جعلی

یکی از مشکلات در حوزه مباحث مهدویت، ساخته شدن روایاتی جهت منافع فرقه ای و نیز پدیدار شدن روایت های تازه یافت در منابع متاخر می باشد. روایت هایی توسط برخی از این نویسندگان نگارش گردیده که نه تنها دلیلی بر پذیرش آنها وجود ندارد بلکه شواهدی در عدم اعتبارشان موجود است. مدعیان دروغین از این مطلب استفاده کرده و در مسیر پیشبرد اهداف خود این دسته از نشانه ها را پر رنگ نموده اند.

((برای مثال، برای گسترش هرچه بیشتر ادعای مهدویت «عبداللّه المهدی» در آفریقا، داعیان اسماعیلیه بر اساس بعضی روایات منسوب به اهل بیت علیهم السلام که ظهور مهدی از مغرب خواهد بود، روایاتی جعل کرده و پیش بینی می کردند ظهور، در سال غلبه فاطمیان بر آفریقا خواهد بود. آنان از امام هادی علیه السلام روایتی نقل می کردند که فرموده است: «با گذشت چهل و دو سال، بلا و گرفتاری ای که گرفتار آن هستید، رفع خواهد شد»

مبلغان اسماعیلی برای جلب اقوام بربر و بادیه نشین به مهدویت، احادیثی جعل کردند که طبق این احادیث، مهدی موعود از بین اقوام شیعه نشین ظهور خواهد کرد. بیشتر این احادیث، ظهور مهدی را از نواحی دور دست کشورها و کناره های سرزمین های آباد مانند «زاب» در آفریقا و «سوس» در مغرب تعیین می کرد))

احمد بصری نیز از قافله دیگر مدعیان جا نمانده و در دعوت خود، به برخی روایت های نشانه ظهور استناد نموده است که هیچ جایگاه علمی ندارد. به عنوان نمونه:

۱. روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مورد ملک فهد

عن مسند احمد عن النبی (صلی الله علیه و آله): یحکم الحجاز رجل اسمه علی اسم حیوان اذا رایته حسبت فی عینه الحول من البعید و اذا اقتربت منه لا تری فی عینه شیئا، یرخفه له أخ اسمه عبد الله، ویل لشیعتنا منه - أعادها ثلاثا - بشرونی بموته أبشركم بظهور الحجّة))

<http://almahdyoon.ir>

((در مسند احمد بن حنبل آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: بر حجاز (عربستان) مردی که اسمش ، اسم حیوان است حکومت می کند (فهد = یوزپلنگ). اگر از دور به او نگاه کنی در چشمش انحراف (چپی) می بینی ولی اگر به او نزدیک شدی در چشمش مشکلی نمی بینی ، جانشین یا خلیفه اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود . وای بر شیعه ما از دست او ، پس این جمله را سه بار تکران نمود ، بشارت مرگش را به من بدهید شما را به ظهور حجت بشارت می دهم.))

استدلال

((فهد به معنی یوزپلنگ است و در سال ۲۰۰۵ فهد مرد و حکومت حجاز به برادرش عبدالله رسید . طبق معمول نظام های پادشاهی حکومت از پدر به پسر می رسد ولی در نظام حکومت آل سعود در عربستان این یک استثنا است و حکومت از برادر به برادر می رسد و پیامبر اکرم با این توضیحات، مصداق را دقیقاً روشن فرموده اند. تصاویر انحراف چشمان فهد از دور و عدم انحراف چشمان او از نزدیک نیز در وب سایت انصار موجود است.))
همچنین می گویند:

((ان شاء الله با این علامات از آیات و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) ، برای همه مشخص شده باشد که ما در عصر ظهور هستیم . پس قطعاً بایستی امام مهدی (علیه السلام) و یا وصی و رسول ایشان و یا امر ایشان ظهور کرده باشند.))
شیخ حیدر زبیدی صریح تر از متن فوق اشاره می کند که با توجه به این روایت ، نشانه ظهور احمد بصری تحقق یافته و ظهور امام مهدی (علیه السلام) در حال تحقق است.

نقد

الف) منبع روایت

با توجه به آدرس ذکر شده در منابع تبلیغاتی طرفداران احمد، اولین منبع نقل این روایت، کتاب ((۲۵۰ علامه حتی ظهور الامام المهدی (علیه السلام)) اثر محمد علی طباطبایی حسنی می باشد و نگارنده نیز در منبع دیگر بدان برخورد ننمودم .
با مراجعه به کتاب مسند احمد بن حنبل و سایر متون روایی شیعه و سنی ، روشن می شود که این روایت وجود خارجی نداشته و تا کنون کسی آن را ذکر نکرده است. جالب اینکه نویسنده کتاب (۲۵۰ علامت)، خود نیز این روایت را در هیچ منبع حدیثی ندیده است و در استناد آن به مسند احمد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین می گوید:

((هذا الخبر نقله إلى أحد الفضلاء المطلعين))

((این خبر را یکی از فضلائی مطلع !!! برای من نقل کرده است))

و عجیب است احمد بصری که ادعای علم امامت دارد، نتوانسته بفهمد که این روایت در مسند احمد و هیچ منبع روایی معتبر دیگری وجود ندارد و به نوعی دروغ بستن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد.

این کتاب نه تنها از منابع دست اول و معتبر نمی باشد، بلکه مواردی در کتاب وجود دارد که دلالت بر عدم دقت علمی نویسنده آن دارد. مواردی مانند: توجه به تطبیق گرای (اگر چه به صورت احتمالی بیان می کند اما در این زمینه افراط دارند) مانند تطبیق لفظ "جهجاه" به محمد رضا شاه پهلوی با این توجیه که این عبارت برگردان شاهنشاه است! بیان احتمالی زمان ظهور، استفاده از سخنانی با عنوان روایت، که در منابع روایی مشابه نداشته و در هیچ منبع روایی قبل از دوران مشروطه نیز وجود ندارد. مانند: به کار بردن عبارت "طهران" و بیان خصوصیت زنان تهرانی در روایتی منسوب به امام صادق (علیه السلام). استفاده از منابع غیر معتبر در مباحث مهدویت مانند: نواب الدهور، بیان الائمة سید مهدی نجفی، عقاید الامامیه سید ابراهیم زنجانی.

او اعتقاد دارد که نیازی به بررسی و جدا کردن روایات معتبر از غیر معتبر در مباحث مهدوی و جود ندارد، و با همین نگاه به سخنانی عجیب به نام اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می کند و در پایان کتابش با توجه به خوابی که مادرش دیده است خود را از یاران امام زمان می داند و معتقد است که در حیات او ظهور اتفاق خواهد افتاد.

ب) محتوا

این روایت هیچ دلیلی بر مدعای احمد بصری نبوده و تنها به صورت کلی اشاره به ظهور حجت میکند. و مشخص نیست که انصار و مریدان احمد، با چه استدلالی عبارت "حجة" را به او تطبیق می دهند. از طرف دیگر باید مراد از مرگ خلیفه، مرگ ملک عبد الله باشد نه ملک فهد. چرا که مطابق با قوانین ادبی باید ضمیر را به نزدیک ترین مرجع آن باز گرداند، و نزدیک ترین مرجع برای ضمیر، نام عبدالله بوده و اگر بخواهیم به روایتی مشابه نیز اشاره کنیم، شیخ طوسی مرگ حاکمی به نام عبدالله را از نشانه های ظهور دانسته است، نه فردی به نام فهد.

با این سخن باید به احمد بصری متذکر شد که پیش از موعد آمده است و اگر هم بخواهیم روایت منسوب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را بپذیریم باید صبر کند تا ملک عبدالله از دنیا برود!!

۱.۲. روایت خلع حاکم مصر

((عن علی (علیه السلام): صاحب مصر علامه العلامات و آيته عجب لها إمارات , قلبه حسن ورأسه محمد و یغیر أسم الجد , إن خرج من الحكم فاعلم ان المهدي سيطرق أبوابكم , فقبل أن یقرعها طيروا اليه فی قباب السحاب (الطائرات) أو أئتوه زحفاً وحبواً علی الثلج . الخ-))

امام علی ع فرمود: صاحب مصر علامت علامتها است و نشانه او آن است که دارای امارت (حکومت) است. قلب او حسن است و سر او محمد و نام جدش را تغییر می دهد. اگر بیرون رفت بدانید که مهدی درهای شما را خواهد کوبید. پس قبل از آن که درهایتان را بکوبد بسوی او ولو بر روی ابرها پرواز کنید یا سینه خیز بر روی برف (یخ) بشتابید.

استدلال

ادعای این گروه این است که مراد از پادشاه مصر، "محمد حسنی سید المبارک" می باشد که ابتدای نام او محمد، و وسط آن حسن، و با حذف نام جد خود یعنی "سید"، به صورت "محمد حسنی مبارک" خوانده شده و اکنون از حکومت خلع گردیده در نتیجه مهدی باید درب خانه شما را زده باشد، که آنهم احمد بصری است!

نقد

الف) منبع روایت

سایت های رسمی احمد و منابع تبلیغاتی او، آدرس این سخن را کتاب "ماذا قال علی (علیه السلام) عن آخر الزمان" تالیف سید علی عاشور، دانسته اند. در حالیکه اولین منبع این سخن را، کتاب "المفاجأة بشراک یا قدس" تالیف محمد عیسی داود باید ذکر نمود. نقطه اشتراک هر دو کتاب ذکر شده در این است، که هیچکدامشان از منابع معتبر و مصادر اولیه نقل حدیث نمی باشند و با توجه به اینکه این افراد خود نیز از معاصرین بوده و امیر المومنین (علیه السلام) را درک نکرده اند، باید از منبعی معتبر آدرس دهند، که چنین اتفاقی نیز رخ نداده است.

نویسنده کتاب المفاجأة، یکی از روزنامه نگاران و اساتید دانشگاه مصر است، که ادعا دارد نزد برخی از اولیاء خدا علوم غریبه را آموزش دیده است. این فرد سنی بوده و نسب خود را به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می رساند. و اعتقاد دارد مقداری از علوم اهل بیت (علیهم السلام)، و به ویژه علمی موجود از علم جعفر حضرت علی (علیه السلام) در اختیار پدر، عمو و خود او

قرار دارد. این فرد علم جفر را علم اعداد دانسته، و با تدوین کتاب هایی و ادعای آموزش در این زمینه، سخنانی را به حضرت علی (علیه السلام) نسبت می دهد که تا کنون هیچ یک از علمای شیعه و اهل سنت بدان اشاره ننموده اند. در کتاب او تصریح امام علی (علیه السلام)، به نام کشورهای آمریکا، اسرائیل، نپال، تبت، کره شمالی و جنوبی، اروپا، سنگاپور و غیره، و حتی بیان نام انور سادات، اختلافات در مصر و جریان صلح کمپ دیوید را مبینیم و در اصل، هر آنچه را که در پیرامون ما اتفاق افتاده است را در قالب روایتی از علی (علیه السلام) بیان می کند! اگر چه این فرد ادعا دارد که علوم نابی را در اختیار دارد، اما تولد حضرت مهدی (علیه السلام) را در مدینه-نه سامراء- دانسته و او را مطابق با عقاید اهل سنت از نسل امام حسن مجتبی (علیه السلام) می داند. نکته قابل تامل اینکه، در قسمتی از کتابش پس از بحث از مرگ فردی با نام عبدالله در آخرالزمان، که در روایت قبل بدان اشاره نمودیم، محبت شدید خود به ملک عبدالله پادشاه عربستان را نمی تواند کتمان نماید و تلاش نموده تا ملک عبدالله پادشاه عربستان را به عنوان انسانی شجاع، ضد آمریکایی و متدین نمایش دهد!!

و بسیار جای تعجب دارد که این فرد با اینکه چنین اطلاعات خاصی را برای خود دانسته، اما خلیفه اول و دوم، و همچنین معاویه را از اولیاء خدا و خواص معرفی می کند. و در کتابی دیگر از ایشان که در مورد امام مهدی (علیه السلام) نگارش نموده است، قذافی را به عنوان یکی از زمینه سازان ظهور معرفی می کند.

اگر چه این نویسنده ادعا دارد که مقداری از علم جفر ائمه (علیهم السلام) در اختیار اوست و مطالب خود را در کتابی جداگانه با عنوان "الجفر، أسرار الهاء فی الجفر" به چاپ رسانده است. اما باید توجه داشت که یقیناً ادعای این فرد اشتباه بوده و بنابر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) کتاب جفر و به دنبال آن علم جفر ذکر شده در روایات، از منابع اختصاصی علوم ائمه (علیهم السلام) می باشد و در اختیار هیچ کس دیگری قرار نمی گیرد. و آنچه امروزه به عنوان علم جفر آموزش داده می شود، با علم جفر موجود نزد امامان معصوم (علیهم السلام) متفاوت است. و نمی توان با توجه به علوم غریبه ای که در اختیار برخی از اولیاء خدا و حتی برخی از شیادان قرار دارد، آنچه را به دست آورده ایم به ائمه (علیهم السلام) نسبت دهیم و به عنوان روایت نقل کنیم، چرا که این امر نیز مصداق دروغ بستن به اهل بیت (علیهم السلام) می باشد.

نکته دیگر در مورد روش کاری این فرد این است که، به نسخه خطی ای اشاره دارد که گویا تنها در دسترس او بوده و گزارش هایی را از آنها عنوان می کند که ساختگی بودنشان مخفی نیست. یکی از محققان معاصر شگرد برخی از شیادان را چنین توضیح می دهد:

((استناد به آثار مخطوط غیر رسمی و ناشناخته. از قدیم الایام رسم بر این بوده است که در این زمینه [ادعاهای ظهور]، به آثار مخطوطی استناد می شده که در دسترس عموم قرار نداشته است. برای مثال گفته می شود فلان مطلب را در نسخه ای در

خانه فلان شخص دیده است اما اکنون نمی داند د را اختیار کیست؟ یا در نسخه ای کهنه آن را دیده است که در خانه فلان شیخ در فلان شهر دور دست بوده است. در این زمینه آثاری که به عنوان جفر و جامعه شناخته شده، گاه منسوب به علی (علیه السلام) یا منسوب به امام صادق (علیه السلام) است، نقش مهمی را بر عهده دارد. غالب این متون برای دیگران شناخته شده نیست؛ به علاوه نسخه های فراوان و متعدد و متفاوتی که بیشتر مربوط به علم اعداد و حروف و شامل جدول های عجیب و غریب نجومی و غیره است، در دست است که هیچ گونه نسبت و استناد آنان به قرون اولیه اسلامی هم ثابت نیست چه رسد به معصومین (علیهم السلام).))

ب) محتوا

برخلاف نظر طرفداران احمد، مراد نویسنده کتاب (المفاجاة)، از عبارت ((إن خرج))، سقوط و خلع نیست تا با سقوط دولت حسنی مبارک منتظر ظهور مهدی (علیه السلام) باشیم، بلکه این فرد اعتقاد داشته که صاحب مصر و محمد حسنی مبارک برای زمینه سازی ظهور، خروج و قیام کرده و از زمینه سازان ظهور مهدی (علیه السلام) می باشد. و مراد از (إن خرج)، جنبش حسنی مبارک در راستای ظهور می باشد.

او مدعی است که فرد زمینه ساز ظهور نام جد خود را تغییر می دهد و صاحب و حاکم مصر است. همچنین در کتابی دیگر از این نویسنده، حسنی مبارک به عنوان (شیر مصر) معرفی شده و نام او را به صورت رمزی (محمد ح) ذکر می کند. افزون بر مطالب گذشته، دلیلی وجود ندارد که مراد از مهدی در روایت یاد شده، احمد بصری باشد.

۲. تقطیع روایات

گاهی فردی جهت اثبات ادعای خود به قسمتی از یک روایت اشاره می کند، که در صورت بیان آن به صورت کامل و تمام، دلیلی بر ادعای آنها نمی باشد. لذا تقطیع و برش زدن روایات، از نمونه شگردهای مدعیان دروغین بوده و با این عمل راهی برای ادعای خود جستجو می کنند.

احمد بصری نیز در جهت اهداف خود از این شیوه استفاده نموده و برخی از ادله دعوت خود را با این ترفند بیان می کند.

۲.۱. احمد از بصره

أن الصادق (علیه السلام) سمی أصحاب القائم (علیه السلام) لابی بصیر فیما بعد فقال (علیه السلام):.... ((ومن البصرة أحمد))

((امام صادق (علیه السلام) در معرفی یاران حضرت مهدی (علیه السلام) فرمودند:.....در بصره احمد است.))

از جمله روایاتی که برای اثبات نام احمد در روایات ادعا می شود، روایت فوق است. آنها مدعی اند که اهل بیت (علیهم السلام) به نام احمد تصریح کرده اند و این از مصادیق بیان امامت یک امام توسط امام قبل از خود می باشد.

منبع اصلی این روایت کتاب (دلایل الامامة) می باشد، و اگرچه در انتساب آن به (محمد بن جریر طبری) از علمای همعصر شیخ طوسی تردید وجود دارد. اما قدمت این کتاب، به قرن ۵ (ه ق) رسیده و از منابع متقدم محسوب می گردد. در تمامی منابع متاخر نیز این روایت را از (دلایل الامامة) نقل نموده اند، از جمله کتاب ((بشارة الاسلام))، که احمد بصری از این منبع آدرس را ذکر می کند.

با مراجعه به متن اصلی روایت در می یابیم که متن آن ابتدا توسط احمد بصری تقطیع شده و عبارت کامل چنین است:

((وَمِنَ الْبَصْرَةِ: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ الْأَعْطَفِ بْنِ سَعْدٍ، وَأَحْمَدُ بْنُ مُلَيْحٍ، وَحَمَّادُ بْنُ جَابِرٍ.))

به تصریح روایت، فردی که با نام احمد از بصره می باشد، احمد فرزند ملیح است نه فرزند اسماعیل؛ و این روایت نه تنها تصریحی بر نام احمد بن اسماعیل بصری ندارد بلکه دلیلی برای رد ادعای او نیز می باشد.

۲.۲. اولین یار مهدی (علیه السلام) از بصره

((عن علی (علیه السلام):.....ألا وان أولهم من البصرة))

((امیر المومنین (علیه السلام) در خطبه ای فرمودند: اولین یاران مهدی از بصره هستند.))

در این روایت تصریح شده است که اولین یاران مهدی (علیه السلام) از بصره می باشند. و چون احمد بن اسماعیل نیز اهل آن دیار است بر او تطبیق می دهند.

اولین منبعی که قبل از بشاره الاسلام این روایت را با متن ذکر شده نقل نموده، کتاب (الزام الناصب) می باشد. این کتاب، روایت را با عنوان (خطبة البيان) و از علی (علیه السلام) نقل می کند. هر دو منبع، نام افرادی را که به عنوان یار مهدی (علیه السلام) در بصره ذکر شده، علی و محارب آورده اند، که نه تنها دلالتی بر نام احمد ندارد بلکه، دروغ گویی او را بیش از پیش بر ما آشکار می نماید.

((الا وان اولهم من البصرة، و آخرهم من الابدال، فاما الذين من البصرة فعلى و محارب و...))

((اولين ياران از بصره بوده و نامشان على و محارب است))

۲.۳. پیشگویی سطيح کاهن

((فقال سطيح :... فعندها يظهر ابن المهدي))

((سطيح کاهن می گوید: در آخرالزمان فرزند مهدی ظهور خواهد کرد.))

استدلال

بنابر این روایت، ادعا دارند که با توجه به اینکه احمد فرزند حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد، این سخن به ظهور او اشاره دارد.

نقد

ابتدا باید تذکر داد که این سخن از يك کاهن نقل شده و اعتبار سخن معصوم (علیه السلام) را ندارد. و به فرض اینکه این خبر درست نقل شده باشد، باز هم بر ادعای احمد دلالت نمی کند. اما نکته مهم تر، تقطیع دوباره خبری دیگری است که نشان از راهزنی علمی این گروه دارد.

کهن ترین منبعی که قسمتی از عبارت های این خبر را ذکر کرده است کتاب الملاحم ابن المنادی (۳۳۶ هـ)، از محدثین اهل سنت می باشد. در میان عالمان شیعی نیز اولین منبع نقل این خبر کتاب مشارق انوار اليقين اثر حافظ رجب برسی (۸۱۳ هـ) بوده، و تمام منابع متاخر دیگر مانند (بحار الانوار) از این کتاب نقل می کنند.

پس از مراجعه به کتاب (مشارق انوار اليقين)، و مصدر نقل (بشارة الاسلام)، که کتاب (بحار الانوار) می باشد، متوجه می شویم که در بشارة الاسلام اشتباه چاپی رخ داده و عبارتی از قلم افتاده است و متن صحیح خبر چنین می باشد:

((فعندها يظهر ابن النبي المهدي))

((در آخرالزمان فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، یعنی حضرت مهدی (علیه السلام) ظهور خواهد کرد.))

و این همان اعتقاد تمامی مسلمانان جهان است که روزی حضرت مهدی (علیه السلام) که از نسل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد ظهور خواهد کرد .

برخی از مبلغان این گروه ، ادعا می کنند شاید در نسخه ای خطی عبارت به صورت (ابن المهدی) باشد و نسخه موجود نزد صاحب کتاب بشاره الاسلام نیز با عبارت (ابن المهدی) بوده است!!

این گروه ، نه تنها دلیلی بر این مدعا ذکر نمی کنند، و نسخه ای را که چنین عبارتی داشته باشد در اختیار ندارند ، بلکه با توجه به اینکه عبارت کتاب (بشاره الاسلام) از (بحار الانوار) بوده و تمامی نسخ (بحار الانوار) و (مشارق انوار الیقین) ، به صورت (ابن النبی المهدی) آمده است، تردیدی در اشتباه این گروه باقی نمی ماند. و اگر چه ممکن است برخی از الفاظ نقل شده در (بحار الانوار) و (مشارق انوار الیقین) با یکدیگر تفاوت داشته باشد، اما از قضا در این عبارت، هیچ نسخه ای با نسخه دیگر تعارض و تفاوت ندارد.

۳. تحریف

احمدو یارانش به جهت اثبات ادعای خود، به تغییر معنا در روایات روی آورده و اخباری را که ارتباط با آنها ندارد و در مورد حضرت مهدی (علیه السلام) نقل شده است را به خود نسبت می دهد. در این جا به تعدادی از برداشت های غلط این گروه اشاره می کنیم:

۳.۱. نام مخفی و نام آشکار

((قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَهُوَ عَلَى الْمَنْبَرِ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَبْيَضُ اللَّوْنِ مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ مُبْدَحُ الْبُطْنِ عَرِيضُ الْفَخِذَيْنِ عَظِيمُ مُشَاشُ الْمُنْكَبَيْنِ بَظْهَرِهِ شَامَتَانِ شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شِبْهِ شَامَةِ النَّبِيِّ ص لَهٗ اسْمَانِ اسْمٌ يَخْفَى وَ اسْمٌ يَعْلَنُ فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَدٌ وَ أَمَّا الَّذِي يَعْلَنُ فَمُحَمَّدٌ - الخ -))

((امیر المؤمنین علیهم السلام بر فراز منبر فرمودند: از فرزندان من در آخر الزمان فرزندی ظهور کند که رنگش سفید متمایل به سرخی و سینه اش فراخ و رانهایش سطر و شانهایش قوی است و در پشتش دو خال است، یکی به رنگ پوستش و

دیگری مشابه خال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دو نام دارد، یکی نهان و دیگری آشکار، اما نام نهان احمد و نام آشکار محمد است.))

استدلال

اعتقاد دارند که مراد از عبارت (اسم) در این جا (شخصیت) می باشد، و نمی توان آن را حمل بر معنای حقیقی (اسم) که (نام افراد) می باشد، نمود. از این روی مدعی هستند که در روایت به شخصیت مخفی و گمنام احمد در برابر شخصیت آشکار و شناخته شده حضرت مهدی (علیه السلام) اشاره شده است.

نقد

بسیار عجیب است، این افراد در تعیین مصداق برای صفات ذکر شده در ابتدای روایت تصریح می کنند، که این خصوصیات اختصاص به امام مهدی (علیه السلام) دارد، و علی (علیه السلام) در مقام بیان خصوصیات جسمانی حضرت مهدی (علیه السلام) هستند، اما ادامه روایت را بدون دلیل اشاره به دو فرد می دانند.

اشتباه این گروه در استدلال به روایت بر کسی پوشیده نیست و استدلال آنان جز عدم اطلاع از فقه الحدیث و درک متن نمی باشد.

همانگونه که در ابتدای روایت بیان شده است، امام علی (علیه السلام) تمامی این خصوصیات و عبارت نام آشکار و مخفی را برای یک فرد ذکر کرده اند، نه دو نفر؛ و از عبارت هایی مفرد مانند: ((یخرج رجل)، (له)، (رایته) و (یده)، استفاده نموده اند. به یقین امام علی (علیه السلام) دو اسم را برای یک فرد بیان نموده اند. و مرادشان در این روایت حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد. و ممکن نیست که علی (علیه السلام)، خصوصیات یک نفر را بیان کند و در مورد یک فرد سخن بگوید اما در مقام تطبیق، انتهای کلام ایشان را، بدون دلیل به دو نفر نسبت بدهیم.

مراد از اسم مخفی نیز این است که عموماً مردم حضرت مهدی (علیه السلام) را با نام (محمد) می شناسند و کمتر از نام (احمد) استفاده می کنند. و عبارت (مخفی) به نام کم استعمال و غیر معروف ترجمه می شود.

علیرغم تصریح احمد و مبلغان این گروه، که عبارت (اسم) معنای حقیقی اش (نام) بوده نه (شخصیت)، اما با تمسک به توجیهی عجیب، از معنای حقیقی (نام) پرهیز کرده و به معنای مجازی (شخصیت) روی می آورند. یکی از آنان می گوید:

((فلو كان المراد اللفظ فهو قد ذكره في نفس الرواية و في نفس الموضوع بقوله (فاحمد)، إذن لابد أن يكون المراد خفاء شخص القائم على الناس))

((اگر مراد از (اسم) در روایت (نام) بود، چرا آن را عنوان کرده اند. پس مراد شخصیت مخفی می باشد))

در عبارت های گذشته توضیح دادیم که با توجه به عبارت های که به صورت مفرد و برای یک فرد به کار برده شده است ،امکان ندارد مراد حضرت علی (علیه السلام) دو نفر باشد و به هر صورت روایت بر یک نفر دلالت دارد و خصوصیات یک فرد را مطرح نموده است. و به هیچ ترفندی نمی توان مراد از ضمیر مفرد را جمع یا مثنی گرفت.

در پاسخ به این توجیه نیز این دسته از روایت ها را اشاره می کنیم که اگر چه برخی از روایات ، دستور به حرمت نام بردن از اسم حقیقی حضرت مهدی (علیه السلام) را داده اند ،اما در اخبار بدان نام تصریح شده است . پس نمی توان گفت چون امام علی (علیه السلام)، در این جا نام مخفی را ذکر کرده ، دیگر مخفی نیست.چرا که استعمال آن به قدری در میان مردم کم است که از آن به نام مخفی و کم استعمال اشاره شده است. و همین سوال -که اگر هدف مخفی بودن نام بوده چرا در روایات ذکر شده است - در بحث همانندی نام حضرت مهدی (علیه السلام) با نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز باقی است ، که در توجیه آن ، علمای بزرگوار توضیحاتی را فرموده اند .

۳.۲. شباهت کنیه امام مهدی (علیه السلام) با نام عمویش

((عِيسَى الْخَشَّابِ قَالَ: قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟

قَالَ: لَا، وَ لَكِنَّ صَاحِبَ الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ، الْمُؤْتَوِّرُ بِأَبِيهِ، الْمُكَنَّى بِعَمِّهِ، يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ))

((عیسی خشاب گوید: به امام حسین علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: خیر، و لیکن صاحب الامر طرید و شرید و خونخواه پدرش و دارای کنیه ای با اسم عمویش می باشد او شمشیرش را هشت ماه روی دوش خود می نهد.))

استدلال

کنیه امام مهدی (علیه السلام) ،ابوالقاسم بوده وایشان نمی تواند کنیه ای مطابق با اسم عمویش ،عباس بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) داشته باشد،لذا روایت اشاره به فردی دارد که کنیه اش (ابو العباس) بوده و آن فرد احمد است.

احمد بصری نیز در مورد این روایات و تبیین (المکنی بعمه) می گوید:

((والمراد من الكنية هنا، أي: أبو فلان. و عمه المقصود في الرواية العباس بن علي (عليه السلام))

((مراد از کنیه این است که بگویی: ابو فلان، و مراد از عمو در این روایت حضرت عباس بن علی (علیه السلام) می باشد.))

نقد

باید توجه کرد که احمد بصری، دلیلی در اثبات ادعای خود - که مراد از المکنی بعمه، عباس بن علی (علیهما السلام) است - ذکر ننموده است. و با توجه به احتمالات می توان مراد از (عمه) را، امام حسن مجتبی (علیه السلام) و دیگر برادران امام حسن عسکری (علیه السلام) - از جمله جعفر - دانست.

مطابق با مبانی علم حدیث و بیان نورانی امام علی (علیه السلام)، در تحلیل اخبار اهل بیت (علیهم السلام)، باید به روایات هم خانواده آن نگرست تا بتوان روایت مجمل را تبیین صحیح نمود. و به تعبیر دیگر همانگونه که در تفسیر آیات قرآن، از آیات دیگر کمک گرفته می شود، در تبیین روایات نیز همین روش استفاده می گردد.

با این وصف و با توجه به روایات دیگر، پیام این حدیث کاملاً روشن بوده و در میان احتمالات داده شده، مراد از عمه، جعفر برادر امام حسن عسکری و عموی امام مهدی (علیه السلام) می باشد.

در نقل شیخ صدوق از امام حسن عسکری (علیه السلام)، مطلب فوق تبیین گردیده و امام مهدی (علیه السلام) دارای دو کنیه می باشد، و گاهی او را به (ابوالقاسم) و گاهی به (ابو جعفر) صدا زده اند.

ایشان می فرماید:

((حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْمُنْذِرِ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ أَبِي الْفَتْحِ قَالَ: جَاءَنِي يَوْمًا فَقَالَ لِي الْبِشَارَةُ وَوُلِدَ الْبَارِحَةَ فِي الدَّارِ مَوْلُودًا لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَ وَ أَمَرَ بِكُنْيَتَيْهِ قُلْتُ وَ مَا اسْمُهُ قَالَ سُمِّيَ بِمُحَمَّدٍ وَ كُنِّيَ بِجَعْفَرٍ.))

((حسن بن منذر گوید: روزی حمزه بن ابی الفتح به نزد من آمد و گفت:

مژده که روز گذشته برای امام حسن عسکری علیه السلام در سرا فرزندی متولد گردید و او فرمان داد که کودک را پنهان دارند، گفتم: نام او چیست؟ گفت: او را محمد نامیده اند و کنیه اش ابو جعفر است.))

در عبارتی دیگر نیز این مطلب تصریح شده و می فرمایند:

((وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ حَبَابٌ حَدَّثَنِي أَبُو الْأَذْيَانِ قَالَ قَالَ عَقِيدَةُ الْخَادِمِ وَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ خَيْرٍ وَابْنُ التُّسْتَرِيِّ وَقَالَ حَاجِرُ الْوَشَاءِ كُلُّهُمْ حَكَوْا عَنْ عَقِيدَةِ الْخَادِمِ وَقَالَ أَبُو سَهْلٍ بْنُ نُوبَخْتٍ قَالَ قَالَ عَقِيدَةُ الْخَادِمِ وَوَلَدَ لِلَّهِ الْحَجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ غُرَّةَ شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ مِنَ الْهَجْرَةِ وَيُكْنَى أَبُو الْقَاسِمِ وَيُقَالُ أَبُو جَعْفَرٍ وَلَقَبَهُ الْمَهْدِيُّ..))

((و ابو سهل بن نوبخت گوید: عقید خادم می گوید: ولی خدا حجّه بن الحسن - صلوات الله علیه - در شب جمعه اول ماه رمضان سال دویست و پنجاه و چهار هجری به دنیا آمد و کنیه او ابو القاسم و ابو جعفر و لقبش مهدی است))

۳.۳ انتساب خود به امام حسن عسکری (علیه السلام) و به کار گیری عنوان "الحسن"

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به مفضل بن عمر و در مورد ویژگی های زمان ظهور فرمودند:

((صَاحٍ صَائِحٍ بِالْخَلَائِقِ مِنْ عَيْنِ الشَّمْسِ بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ يَسْمَعُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ هَذَا مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ - وَيُسَمِّيهِ بِاسْمِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَيُكْنِيهِ بِكُنْيَتِهِ ، وَيُنْسُبُهُ إِلَى أَبِيهِ الْحَسَنِ الْخَادِي عَشْرًا إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - بَايَعُوهُ تَهْتَدُوا، وَلَا تُخَالِفُوا أَمْرَهُ فَتَضَلُّوا.))

((گوینده ای از چشمه خورشید بزبان عربی فصیحی بانگی میزند که اهل آسمانها و زمین آن را میشوند، و میگوید: ای مردم عالم! این مهدی آل محمد است و او را بنام و کنیه جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواند و بپدرش حسن علیه السلام امام یازدهم تا حسین بن علی صلوات الله علیهم اجمعین نسبت میدهد. آنگاه گوینده میگوید: با وی بیعت کنید که رستگار شوید و مخالفت امر او ننمائید **که** گمراه خواهید شد.))

استدلال

پیروان احمد بصری او را با عنوان (احمد الحسن)، نام برده و معتقدند بنابر این روایت او از طریق امام حسن عسکری (علیه السلام) به خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) متصل می شود.

نقد

استدلال به این روایت، عدم دقت و اطلاع این گروه را یادآور شده و با اینکه بنا به تصریح احمد بصری، کنیه خود را ابوالعباس دانسته نمی توان کنیه ذکر شده در روایت را که (ابوالقاسم) است، به او نسبت داد؟! در نتیجه این روایت تصریح به نام حضرت مهدی (علیه السلام) دارد که بنا بر روایات نامشان همان رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و کنیه ایشان کنیه جد بزرگوارشان می باشد.

افزون بر سخن فوق، عبارت های قبل و بعد روایت، با وجود حضرت مهدی (علیه السلام) مطابقت دارد. در روایت تاکید می کند این فرد در تاریخ (۲۵۷ هـ) متولد شده و در بین رکن و مقام با او بیعت شده و سیصد و سیزده یار دارد، و امام حسین (علیه السلام) او را همراهی می کند. در فرازی دیگر از روایت نیز بحث ندای به نام و کنیه ایشان را که مطابق با نام و کنیه رسول خداست، مطرح نموده که با این قسمت اشاره شده از روایت همسو می باشد.

نتیجه

در جمع بندی آنچه گذشت جای تردید باقی نمی ماند که احمد بصری و طرفدارانش همانند دیگر مدعیان دروغین از روش های استفاده از روایت های غیر معتبر، تقطیع و گزینش روایت و تحریف و دستکاری محتوای آن سود جسته و سعی بر اثبات ادعای خود نموده اند. و جهت بیان دروغ گو بودن این فرد تنها به مواردی از ادله مطرح شده در دعوت این فرد اشاره نمودیم، تا روش باطل و شگردهای استدلال به دعوت در این گروه را تا حدی نمایان سازیم.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، محقق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، مهدی لاجوردی، تهران، نشر جوان، ۲ جلد، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۲ جلد، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴.
۵. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، بیروت، البلاغ، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

٦. طبرى، محمد بن جرير، دلائل الإمامة، قم، بعثت، چاپ اول، ١٤١٣ق.
٧. طوسى، محمد بن الحسن، كتاب الغيبة للحجة، محقق: عبادالله تهرانى و على احمد ناصح، قم، المعارف الاسلامية، چاپ اول، ١٤١١ق.
٨. طهرانى، آقا بزرگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت، دارالأضواء، ٢٦ج، چاپ سوم، ١٤٠٣ق.
٩. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دارالكتب الإسلامية، ج ٨، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
١٠. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١١١ج، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
١١. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج على اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضى، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
١٢. الطباطبائى الحسنى، محمد على، ٢٥٠ علامة حتى ظهور الامام المهدي (عليه السلام)، بيروت، مؤسسة البلاغ، چاپ دوم، ١٤٢٩ق.
١٣. برقى، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دارالكتب الاسلامية، چاپ دوم، ١٣٧١ق.
١٤. حلى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
١٥. داود، محمد عيسى، المفاجأة بشراك يا قدس، بى جا، مدبولى الصغير، بى تا.
١٦. داود، محمد عيسى، المهدي المنتظر على الابواب، بيروت، دارالمهدى، بى تا.
١٧. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد صلى الله عليهم، قم، مكتبة آيت الله المرعشى النجفى، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
١٩. جعفرىان، رسول، مهديان دروغين، تهران، نشر علم، چاپ اول، ١٣٩١ ش.
٢٠. آل السيد حيدر الكاظمى، السيد مصطفى، بشارة الاسلام فى ظهور صاحب الزمان، بى جا، آل البيت، بى تا.
٢١. بحراني، سيد هاشم، المحجة فيما نزل فى القائم الحجة، تحقيق محمد منير الميلانى، بى تا، بى جا.

۲۲. حائری یزدی، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب عجلّ الله تعالى فرجه الشريف، بیروت، موسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۲۳. شهبازیان، محمد، تاملی نو در نشانه های ظهور (۱)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.

۲۴. حسینی قزوینی، محمد، نقد کتاب اصول مذهب الشیعۀ، قم، موسسه تحقیقاتی ولی عصر (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.

۲۵. ابن بابویه، علی بن الحسین، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم، مدرسه الامام المهدي (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۲۶. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، قم، نشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.

۲۷. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، موسسه صاحب الامر (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۲۸. مرندی، شیخ ابوالحسن، مجمع النورین و ملتقى البحرين، متن کتاب موجود در سایت کتابخانه دیجیتال موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت، به آدرس: <http://lib.ahlolbait.com/parvan/resource/>

۲۹. ابن المنادی، احمد بن جعفر، الملاحم، قم، دارالسیره، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

۳۰. برسی، رجب بن محمد، مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين علیه السلام، بیروت، موسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۳۱. سلیمان، خدا مراد، درسنامه مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

۳۲. ترابی شهرضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.

۳۳. حسینی جلالی، محمد حسین، فهرس التراث الشیعۀ، قم، دلیل ما،

چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

۳۴. طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة فی تصانیف الشیعۀ، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.

کتاب های چاپ شده در انتشارات طرفداران احمد بصری، با عنوان (إصدارات انصار الامام المهدي)

۱. احمد بن اسماعيل، الجواب المنير، انتشارات انصار الامام المهدي .
۲. همان، المتشابهات
۳. همان، الوصية المقدسة
۴. همان ، با همكارى علاء السالم، الرجعة ثالث ايام الله الكبرى
۵. همان ، وصى و رسول الامام المهدي فى التوراة و الانجيل و القرآن
۶. همان ، نصيحة الى طلبة الحوزات العلمية
۷. زيادى ، حيدر ، يمانى موعود حجت الله.
۸. واحد تحقيقات انتشارات انصار الامام المهدي ، ادله جامع يمانى
۹. واحد تحقيقات انتشارات انصار الامام المهدي ، برخى علائم ظهور مهم محقق شده. (جزوه آموزشى)
۱۰. العقيلى ، ناظم ، الرد الحاسم فى منكرى ذرية القائم
۱۱. الديراوى ، عبدالرزاق، دعوة السيد احمد الحسن هى الحق المبين ،
۱۲. الخطاب، احمد ، دابة الارض و طالع المشرق ،
۱۳. زيادى ، حيدر، اليماني الموعود حجت الله

نشریات

۱. طبسى، نجم الدين، حكم تسميه و ذكر نام شريف حضرت ولى عصر (عليه السلام) ، فصلنامه علمى ترويجى انتظار موعود ، ش ۳، بنياد فرهنگى حضرت مهدي موعود (عليه السلام) ، بهار ۱۳۸۱ ش.
۲. عرفان ، امير محسن ، بازخوانى عوامل پيدائش مدعيان دروغين مهدويت و گرايش مردم به آنان، فصلنامه علمى ترويجى انتظار موعود ، ش ۳۰، بنياد فرهنگى حضرت مهدي موعود (عليه السلام)، پاييز ۱۳۸۸ ش.

<http://almahdyoon.ir>

۳. صفری فروشانی، نعمت الله، ((محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامة))، فصلنامه علوم حدیث، سال دهم

، شماره ۳۷ و ۳۸، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸۴

۴. انصاری، محمد رضا، ((طبری سوم و دلائل الامامة))، ماهنامه کیهان اندیشه، شماره ۵۸، قم، موسسه کیهان، ۱۳۷۳ ش.

۵. آیتی، نصرت الله، ((نقد و بررسی آراء مدعیان مهدویت: با تکیه بر آراء احمد الحسن))، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق

موعود، ش ۲۵، قم، موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، تابستان ۱۳۹۲ ش.

اینترنت

سایت خبر آنلاین، به آدرس: khabaronline.ir

سایت روزنامه الشرق الاوسط به آدرس: www.aawsat.com